

راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان

یافته‌های پژوهش نشان داد که می‌توان از راهکارها و روش‌هایی، مانند زمینه‌سازی مناسب، بصیرت‌بخشی، الگودهی مناسب، تشویق و تنبیه، تکریم، آموزش مراقبه و محاسبه، تذکر و یادآوری، تمثیل، تلقین به نفس، موعظه، دعا، ارتباط با اماکن مذهبی در جهت تربیت عبادی نوجوانان استفاده نمود ...

۱۱ شهریور ۱۳۹۷، ۲۰:۷

رضافائی *

فتح اله کوشکی **

چکیده

تربیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است که در پرتو آن می‌توان به سعادت که همان قرب الهی است، راه یافت. از میان دوران رشد یک فرد، دوران نوجوانی به دلیل ویژگی‌های خاص خود دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ بنابراین تربیت اسلامی نوجوان مسلمان، بسیار ضرورت دارد و بندگی خداوند متعال در این دوره، تنها از طریق تربیت صحیح دینی حاصل می‌شود. از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره نوجوانی، تربیت عبادی است. هدف پژوهش حاضر، ارائه راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی -تحلیلی است که به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت دستیابی به اهداف پژوهش، متون موجود و مرتبط با موضوع پژوهش و با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع گردآوری و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفت است. یافته‌های پژوهش نشان داد که می‌توان از راهکارها و روش‌هایی، مانند زمینه‌سازی مناسب، بصیرت‌بخشی، الگودهی مناسب، تشویق و تنبیه، تکریم، آموزش مراقبه و محاسبه، تذکر و یادآوری، تمثیل، تلقین به نفس، موعظه، دعا، ارتباط با اماکن مذهبی در جهت تربیت عبادی نوجوانان استفاده نمود.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت عبادی، راهکار، نوجوانان.

مقدمه

تربیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع انسانی دانست؛ زیرا نحوه شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها به نحوه تربیت آنها بستگی دارد (ملاسلمانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۱)؛ تربیت همچنین یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است که در پرتو آن می‌توان به سعادت راه یافت؛ بدین منظور تربیت اسلامی برای یک فرد مسلمان ضرورت بسیار دارد؛ زیرا بندگی خداوند متعال که اساس اسلام است، تنها از طریق یک تربیت صحیح دینی حاصل می‌شود.

تربیت دینی، مفهومی عام است که شامل حوزه‌های مختلفی، همچون تربیت عقلانی، سیاسی، اجتماعی، جنسی، عاطفی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی می‌شود که در اصطلاح عبارت است از: مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به‌نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند (داوودی، ۱۳۸۳، ۲، ۲۶). یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره نوجوانی، تربیت عبادی است؛ این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی (ع) است. تربیت عبادی را «آموزش عبادات به متریان و متعهد کردن آنان به انجام آنها» می‌دانند، به دیگر سخن، تربیت عبادی به معنای ایجاد تدریجی و گام‌به‌گام روح عبادت و بندگی پرورگار عالم در فرزندان است (داوودی، ۱۳۸۳، ۲، ۱۱۱).

در جهان فعلی که دشمنان اسلام علیه ارزش‌های مقدس و انقلاب اسلامی بسیج شده‌اند و به تهاجمات خود شدت داده‌اند و به دنبال محو ارزش‌های دین مبین اسلام هستند، بیش از هر زمان دیگری می‌طلبند که با اتخاذ تدابیر لازم در عرصه تعلیم و تربیت و با اقدامات فرهنگی، تهاجم فرهنگی آنان را خنثی نموده تا نسل جوان کشور واجد ارزش‌های اصیل اسلامی شده و با اعتقاد و ایمان راستین به احکام الهی عمل نمایند؛ یکی از این ارزش‌های مهم، انجام عبادت است (مرادی و موسی‌پور، ۱۳۹۲، ۲۹)؛ از این‌رو یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی نوجوانان، «تربیت عبادی» است. تربیت عبادی نوجوانان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد و یکی از بزرگ‌ترین وظایف آنها است و باید با شناخت و به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های درست به آن توجه شود (داوودی، ۱۳۸۳، ۲، ۱۱۱).

با وجود اهمیت عبادت و به‌ویژه اهمیت آن در دوران نوجوانی، در بحث از پیشینه راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان، برگرفته از قرآن و سبک زندگی اهل بیت، پژوهش‌هایی مطابق با این عنوان یافت نشد؛ ولی منابعی درباره روش‌های تشویق به نماز را به اختصار بیان می‌نماییم.

مرادی و موسی‌پور (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی «راه‌های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران»، پرداخته و به این نتیجه دست‌یافته‌اند که دانش‌آموزان مناطق پایین‌شهر و دانش‌آموزان مدارس دولتی، گرایش بیشتری نسبت به نماز دارند، عوامل خانوادگی (نمازخواندن پدر و مادر و شرکت آنها در مراسم‌های مذهبی) و همچنین عوامل درون مدرسه‌ای (برگزاری نماز اول وقت و وضعیت نمازخانه)، در گرایش به نماز مؤثر هستند.

قرائتی (۱۳۹۱)، در کتاب «شیوه‌های دعوت به نماز» به بررسی اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز پرداخته و همچنین ویژگی‌های دعوت‌کننده به نماز را بیان کرده است. ملکی، شاملی و شکراللهی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی «تربیت عبادی کودکان» پرداخته‌اند و ضمن پرداختن به اهمیت و ضرورت تربیت عبادی در کودکان، اصول و شیوه‌های مؤثر در به انجام رساندن این امر خطیر را بیان نموده‌اند. نتایج پژوهش جعفری و ورنگی (۱۳۸۸) با

عنوان «بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران نسبت به مسائل مذهبی»، نشان داد که رفتارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر خانواده (عواملی مانند تشویق فرزندان به اعمال مذهبی، مشارکت عملی والدین در مراسم‌های مختلف مذهبی و...)، رفتارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر مدرسه و رفتارهای فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه در جلب و جذب دانش‌آموزان نسبت به انجام اعمال دینی در مرحله عملی تأثیر دارند. بگلو (۱۳۸۸)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی علل و عوامل درون مدرسه‌ای بر جذب دانش‌آموزان به نماز» به این نتیجه دست یافت که حضور کارکنان مدرسه در نماز جماعت، روحانی بودن امام جماعت، تنظیم ساعت آموزشی با توجه به اوقات شرعی و نیز آموزش عملی نماز از روش‌های خوب برای ترغیب دانش‌آموزان به نماز جماعت است. پاکدل (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی راه‌های جذب دانش‌آموزان به اقامه نماز جماعت در مقطع ابتدایی شهرستان قزوین» دریافت که تأثیر کتب دینی، نمازخوان بودن پدر و مادر، شرکت مدیران، معلمان و مربیان پرورشی در نماز جماعت مدرسه، تشویق دانش‌آموزان...، در جذب دانش‌آموزان به نماز به میزان خیلی زیادی مؤثر بوده است؛ بنابراین با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش با عنایت به سوابق نظری و پژوهشی، در نظر دارد راهکارهای ترغیب و تشویق نوجوانان به عبادت را شناسایی و تبیین نماید.

مفهوم‌شناسی

تربیت: واژه تربیت از ریشه رَبَوَ و باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده است و در مشتقات مختلف آن می‌توان این معنا را به‌نوعی باز یافت؛ مثلاً به تپه، ربوه گفته می‌شود؛ زیرا نسبت به سطح زمین برآمده است (باقری، ۱۳۹۰، ۵۱). در قرآن مفهوم تربیت از ریشه (ر ب و) چندان مورد توجه قرار نگرفته و در مواردی که این کلمه در ارتباط با انسان به کار رفته عمدتاً مفهوم رشد و نمو جسمی مراد بوده است، چنانکه در آیه زیر مشهود است (باقری، ۱۳۹۰، ۵۲): «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ و بگو خدا بر والدین من که در کودکی مرا تربیت کردند، رحم نما (اسراء، ۲۴). تربیت، مجموعه روش‌ها و راهکارهایی است که از آغاز زندگانی انسان به کار گرفته شده تا او در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزش‌ها، بتواند خود را از انحراف نجات دهد و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد (شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ ق، ۹۷).

تربیت عبادی: تربیت عبادی به معنای ایجاد تدریجی و گام‌به‌گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل و خواری نسبت به پرورگار عالم در انسان و تا مرحله رساندن آنها به حد نهایی و کمال مقام عبودیت (رضایی و نجفی، ۱۳۹۳، ۸۹). تربیت عبادی عبارت است از: آموزش عبادات به مترینان و متعهد کردن آنان به انجام آنها. عبادات مهم در اسلام عبارتند از: نماز، روزه، خمس، زکات و صدقه (انفاق‌های مالی)، حج، ذکر خدا، دعا و تلاوت قرآن (داودی، ۱۳۹۰، ۲۹).

نوجوان: نوجوانی یک پدیده اجتماعی است که شامل یک دوره طولانی گذرا از مرحله کودکی به مرحله بزرگسالی است و آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر بر اساس ساختار و آداب و رسومش تغییر می‌کند. در پایان دوره نوجوانی،

رشد اجتماعی کامل می‌شود و نوجوان به‌عنوان یک جوان اجتماعی وارد اجتماع می‌شود (حسینی، ۱۳۸۰، ۱۳۴). نوجوانی دوره بزرگ شدن، دوره حرکت از نمو نیافتگی کودکی به‌سوی نمو یافتگی بزرگ‌سالی است. نوجوان، دیگر یک کودک نیست؛ اما هنوز بزرگ‌سال هم نیست. او درگذر از یک وهله زندگی به وهله دیگر به سر می‌برد؛ گذارهای، مانند زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی از این جمله است (کیمل و وینر، ۱۹۹۵، استاینبرگ، ۱۹۹۹).

روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی تحلیلی بوده و به‌منظور گردآوری داده‌های لازم، منابع موجود و مرتبط با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع، جمع‌آوری شده و با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان

۱. زمینه‌سازی مناسب

زمینه، در لغت به معنای نقشه، طرح و موضوع است؛ از این‌رو زمینه‌سازی نیز به معنای آماده کردن طرح و نقشه برای انجام دادن کاری است (عمید، ۱۳۶۷، ۷۳۹). انتخاب و تنظیم زمینه‌ها و شرایط، عامل تسهیل‌کننده‌ای برای شکل‌گیری و شکل‌دهی رفتارهای مطلوب در انسان‌ها است؛ در این روش تربیتی به امکانات بالقوه توجه می‌کنیم؛ طبق این روش، باید از قبل شرایط تسهیل‌کننده شکل‌گیری حالات و رفتارهای مطلوب و از بین رفتن رفتارهای نامطلوب را به نحو مقتضی، دگرگون و تغییر داد. انسان از شرایط مختلف محیطی، اعم از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ درواقع انسان، هم از حیث ظاهر و هم از حیث باطن خویش، تحت تأثیر شرایط قرار دارد. برای زدودن برخی از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید به دستکاری شرایط محیطی او پرداخت. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت، یکی از روش‌های تربیتی اصلاح شرایط، روش زمینه‌سازی است. زمینه‌سازی به این معناست که با اقدامات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود، بستر تربیت عبادی در نوجوانان را فراهم کنیم (باقری، ۱۳۹۰، ۱۳۶).

انجام امور به فراهم کردن زمینه‌ها، مقدمات و شرایط پیشینی وابسته است و بدون فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط لازم، تحقق امور به نحو مطلوب و مفید، امکان‌پذیر نیست؛ عبادت نیز عوامل و زمینه‌های متعدد و متنوع در آن تأثیرگذار است؛ از این‌رو هیچ برنامه‌ای در آن بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم به اهداف بایسته خود دست نمی‌یابد. مفاد روش زمینه‌سازی، آن است که برای تحقق امر عبادت، باید ابتدا شرایط و زمینه‌های متناسب با آن فراهم شود و این یک قاعده کلی و فراگیر است (احمدی، ۱۳۸۷، ۱۱۳). خداوند در مقام تربیت انسان‌ها، در ارتباط با کسانی که پا به مرحله تکلیف گذاشته‌اند، روش مورد بحث را چنین به کار گرفته است: «وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ

إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ؛ و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند، قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند و ایمان کسانی که ایمان آورده‌اند، افزون شود و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند و تا کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و کافران بگویند خدا از این وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است، این‌گونه خدا هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست (مدثر، ۳۱). خداوند برای آنکه زمینه یقین را برای اهل کتاب فراهم آورد و زمینه استواری ایمان مؤمنان را فراهم سازد، عده فرشتگان موکل بر آتش دوزخ را که در تورات و انجیل نیز ذکر شده بود، بیان می‌کند. یکی از اصول تربیتی در تربیت عبادی، اصل «زمینه‌سازی» و ایجاد آمادگی در نوجوانان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات است. این اصل افزون بر تأکید نسبت به عبادات، باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی نوجوانان نسبت به مسائل عبادی نیز می‌شود؛ بر اساس اصل «آماده‌سازی»، ضروری است پیش از آنکه احکام و اعمال عبادی در حق نوجوانان به مرحله وجوب برسد، زمینه رویارویی صحیح با احکام و اعمال عبادی را در آنان ایجاد کنیم؛ زیرا این اقدام در رشد و کمال معنوی انسان تأثیر مستقیم دارد. هدف از تربیت عبادی در دوره نوجوانی، پرورش و تقویت روحی عبادی و ایجاد آمادگی برای «تکلیف‌پذیری» و تشویق کودکان به انجام تکالیف عبادی است. برای تحقق این هدف، می‌توان براساس برنامه‌ای منظم، بدان جامعه عمل پوشاند؛ زیرا اگر فرد بدون آمادگی قبلی مکلف به تکالیفی شود، طبیعی است که از عهده آن برنمی‌آید و چه‌بسا میزان تکلیف‌پذیری او نیز پایین آید و یا تکالیف را بدون انگیزه و به‌صورت ناقص انجام می‌دهد؛ البته باید توجه داشت که برای ارائه هر مفهومی به نوجوان، ابتدا باید آمادگی از نظر شناختی و عاطفی در او ایجاد شود تا درنهایت به رفتار عملی در فرد بینجامد. اولیاء و مربیان نباید به‌یک‌باره نوجوان را به انجام تکالیف دینی و عبادی ملزم و مجبور سازند؛ بلکه اول باید زمینه انجام برخی از مسائل دینی و عبادی را برای آنان فراهم آورند (فقیهی، ۱۳۸۴، ۳۰). درحقیقت انجام عبادات در کودکی یک نوع زمینه‌سازی است و موجب ملکه شدن آن اعمال در روح و جان کودک می‌شود؛ درنتیجه، چنین فردی بعد از سن تکلیف، عبادات را با آمادگی و سهولت بیشتری انجام می‌دهند؛ اما کسانی که تا هنگام رسیدن به تکلیف شرعی با مسائل عبادی آشنایی نداشته و یا عبادتی را به‌جا نیاورده‌اند، این اعمال را با دشواری بیشتری انجام می‌دهند؛ بنابراین اگر بخواهیم کودکان با عبادات خو بگیرند و بدان عادت کنند، باید دوره کودکی را مغتنم شمرده، آنان را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا کنیم.

۲۰. بصیرت بخشی

بصیرت، نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن شده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و باطن اشیا را درمی یابد. بصیرت به مثابه بَصَر (چشم)، برای نفس است. بصیرت از ریشه بصر، اما با معنایی متفاوت است؛ زیرا بصر به معنای چشم سر و بصیرت به معنای چشم دل است (معین، ۱۳۸۷، ۵۸۷). بصیرت را به معنای روشن بینی، روشن دلی، درک عمیق، بینش، بینایی، دانایی، زیرکی و هوشیاری و چراغ راه نیز دانسته اند. بصیرت، یکی از صفات انسانی است که به ضمیر و دل او مربوط می شود. اگر بصیرت انسان کامل شود، کمال و سعادت او را به دنبال دارد و به او کمک می کند تا دارای تحلیل صحیح از اوضاع پیرامونی خویش شود. بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است (سعیدی شاهرودی، ۱۳۸۸، ۲۱۰). در روش اعطای بینش که مطابق با اصل تحول درونی است، سعی بر آن است که برداشت انسان از امور، دگرگون شود تا تغییر رفتار انجام پذیرد. درک حضور خداوند در تمامی ذرات هستی و تفکر در آفرینش عالم کبیر، آسمان و زمین و نظامات آن و سپس از طریق آفرینش عالم صغیر، یعنی انسان، مردم را متوجه اصل توحید می سازد. با بینش دادن انسان در مورد نظام هستی، دنیا، حقیقت انسان، تاریخ انسان، مرگ و پس از مرگ، هدفمندی جهان و زندگی در آن را گوشزد می کند (شاوردی و کشاورز، ۱۳۹۰، ۴۸). (در قرآن، روش اعطای بینش و بصیرت مورد استفاده قرار گرفته است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا...»؛ «به راستی بینش هایی از نزد رب شما، برایتان آمده است؛ پس هر که در پرتو آن بینا شود، به سود خود چنین کرده و هر که کوری ورزد، به زیان خود عمل کرده است...» (انعام، ۱۰۴)؛ همچنین امام صادق (ص) در این باره نیز می فرماید: «هر کس بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که بیراهه می رود و به میزان شتابی که دارد از هدف دورتر می شود» (کلینی، ۱۳۴۴، ۱، ۴۳)؛ یعنی در حرکت و فعالیت به معرفت بصیرتی نیاز است و تا انسان مسیر راه را نشناسد به مقصد نخواهد رسید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه ق، ۱۷۱). عدم نگرش صحیح در فرآیند عبادت، بسیار زیانمند است. امام علی (ص) فرمودند: «نابینایی قابل تحمل تر و آسان تر از بی بصیرتی و کور عقلی است» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳، ۴۸۱) و در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کوردل و کور عقل که نابینای واقعی است، کسی نیست که چشم ندارد، بلکه کسی است که چشم بصیرتش کور است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ۱، ۵۵۸). توجه به روش بصیرت بخشی به ارتقای معنوی، عبادی و تدین عملی متریان می انجامد (مطهری، ۱۳۷۰، ۳، ۱۸۲) و باعث می شود افراد در راه تحقق احیای تفکر دینی و غلبه حق بر باطل و حاکمیت ارزش های اسلامی تلاش مجدانه داشته و علیه باطل، مبارزه کنند؛ بنابراین نوجوانان دارای قابلیت هایی هستند که با بینش صحیح می توانند زمینه های رفتار پسندیده و مطلوب را، به ویژه در زمینه عبادت و تربیت عبادی فراهم سازند.

۳. الگودهی مناسب

در این روش، انسان نمونه ای عینی را مطلوب خویش می گیرد و به شبیه سازی دست می زند و تلاش می کند در همه امور، خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد و گام در جای گام او بگذارد. در این ارتباط خداوند در قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ «قطعاً

برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند) «احزاب، ۲۱»، «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...»؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست» (ممتحنه، ۴)؛ همچنین امام علی (ص) تو از پیامبر پاکیزه و پاک خویش پیروی کن که او برای الگوتلبلان اسوه (ای نیکو) است) ... نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰. به دلیل نیاز فطری آدمی به الگو و همانندسازی، در عبادت نیز لازم است الگوهای والا به درستی معرفی شوند تا نوجوان با بینشی روشن مصداق کمال حقیقی را تشخیص دهد. توجه به الگوهای کامل باعث می‌شود که انسان، هدف تربیت و در نتیجه راه تربیت را فراموش نکند و پیوسته در راه اتصال به صفات و کمالات آنان گام بردارد؛ از این رو امیرمؤمنان علی (ص) با بیان ویژگی‌های و صفات انسان‌های نمونه و تربیت‌شدگان مدرسه پیامبر اکرم (ص)، این راه را چنین تبیین می‌کند: «همانا مثل آل محمد (ص) به ستارگان آسمان نماید، اگر ستاره‌ای فرو شد، ستاره دیگر برآید، گویی خدا نیکویی خود را در حق شما به کمال رسانده و آنچه را آرزو دارید به شما نمایانده» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰). هر کسی می‌تواند در مرتبه خود الگوی شایسته‌ای برای دیگران باشد و این امر زمانی می‌تواند سامانی درست بیابد که الگوها به مسئولیت خطیر خود واقف باشند. حضرت علی (ص) همچنین می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند با کردار تعلیم دهد و آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوار تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳). برای ایجاد تربیت دینی، به‌ویژه تربیت عبادی در نوجوانان، عوامل زیادی دخالت دارند که اسوه‌سازی و همانندسازی فرد با الگو و اسوه، یکی از عوامل مهم تربیتی محسوب می‌شود. نوجوان باید با کسی همانندسازی کند که با او پیوند عاطفی برقرار نماید. نوجوانان عمیقاً نسبت به رفتار الگوهای مطلوبشان علاقه‌مند و کنج‌کاو هستند و در سر، اندیشه بازنمایی چنان رفتاری را پرورش می‌دهند. هر قدر الگوهای بزرگسال برای نوجوان، مطلوب‌تر و محبوب‌تر باشند، میزان تأثیرپذیری بیشتر و پایدارتر می‌شود. نوجوانان رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست دارند و مایلند که با آنها همانندسازی کنند و به‌صورت ارادی و غیرارادی تلاش می‌کنند که رفتاری نظیر رفتار آنها داشته باشند و یا به‌گونه‌ای بیندیشند، بگویند و عمل نمایند که مورد توجه و تأیید آنها باشد؛ «الگوسازی شخصیت نوجوانان بر پایه دو عامل است: ۱. ارائه الگوی رفتاری شایسته و پذیرفته‌شده خود به او؛ ۲. تشریح و ارائه الگوهای مورد انتظار جامعه.»

نوجوانان، نظام ارزش‌ها و رفتارهای الگوهای بزرگسال را به‌عنوان یک هدف رفتاری مطلوب می‌پذیرند، به‌ویژه زمانی که رفتار الگوها ترسیمی از شیوه و طریق متعالی زندگی بوده و پاسخی برای نیازهای فطری آنها باشد. زمانی که الگوهای رفتاری نوجوان با تعظیم، تکریم و درعین حال گشاده و متبسم حاضر می‌شوند و به عبادت و اعمال عبادی می‌پردازند، نوجوانان سعی می‌کنند با انگیزه فراوان این رفتارهای الگوها را به خاطر بسپارند و اشتیاق بازآفرینی این رفتارها را می‌توان از نگاه نظاره‌گر آنها دریافت. در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید نوجوان قرار دهد و بدین‌گونه او را دگرگون سازد تا به پیروی بپردازد و حالت

نیکویی مطابق با عمل الگو و اسوه در خویش پدید آورد (باقری، ۱۳۹۰، ۱۴۴)؛ بنابراین اسلام برای عالمان، دانشمندان و الگوهای جامعه اهمیت و نقش سازنده‌ای قائل است.

۴. تبشیر

تبشیر، مظهري از فضل و رحمت است و یکی از مهم‌ترین ابزار انبیا در مسیر دعوت خویش بوده و در آیات فراوانی مشتقات بشارت ذکر شده و آن عبارت است از: بشارت دادن به عطایایی که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد (باقری، ۱۳۹۰، ۱، ۱۶۹). از مهم‌ترین نتایج تبشیر برای متربی می‌توان به این موارد اشاره نمود: اولاً در پیشگاه خداوند محفوظ مانده و هیچ کاری از او فوت و فراموش نخواهد شد. «وَوَضَعَ الْكِتَابَ فُتْرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»؛ و کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند، آنگاه اهل عصیان را از آنچه در نامه عمل آنهاست، ترسان و هراسان بینی، در حالی که (با خود) گویند: ای وای بر ما، این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر مویی فرو نگذاشته، جز آنکه همه را احصا کرده است؟! و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بینند و خدا به هیچ کس ستم نخواهد کرد (کهف، ۴۹)؛ ثانیاً پاداش آن به صورت بسیار انبوه به وی خواهد رسید و همچنین در آیه‌ای دیگر آمده که: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ ای رسول ما، از قول من به امت بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، خدا ترس و پرهیزکار باشید که آنان که متقی و نیکوکارند (علاوه بر آخرت) در دنیا (هم) نصیبشان نیکویی و خوشی است و زمین خدا بسیار پهناور است (اگر در مکانی ایمان و حفظ تقوا مشکل شد به شهر و دیاری دیگر روید و به راه دین صبر پیشه کنید که) البته صابران به حد کامل و بدون حساب پاداش داده خواهند شد (زمر، ۱۰). با توجه به نتایج شگفت‌انگیز این شیوه، باید از آن برای مقاوم‌سازی متربی در قبال تهدیدات اعتقادی و دعوت به عبادت و سوق به سوی معارف اسلامی استفاده نمود؛ البته قابل توجه است که لحاظ کردن سن متربی برای این امر ضروری است؛ زیرا تبشیر مستلزم نوعی آینده‌بینی است؛ از این‌رو هرگاه فرد در سنین پایین باشد، باید دامنه تبشیر برای او کوتاه‌تر در نظر گرفته شود تا فرد سریع‌تر به محصول نهایی دست یابد؛ بنابراین از آنجا که روحیه نوجوانی سرشار از امید است، باید به نوجوانان با اشاره به آیات قرآن و روایات ائمه بشارت داد که هرچه بکارند، نزد خدای متعال برداشت می‌کنند؛ از این‌رو باید در برابر انجام اعمال و عبادات، صبر و شکیبایی داشته باشند و از نیروی نوجوانی برای انجام اعمال و عبادات استفاده کنند و بدانند که همه چیز در پیشگاه خداوند متعال ثبت و ضبط خواهد شد.

۵. تشویق

تشویق به معنای برانگیختن، به شوق آوردن، راغب ساختن و شایق کردن است (معین، ۱۳۸۷، ۱، ۱۰۸۸)؛ روش تشویق به کار گرفتن آدابی برای تحقیق این معنا در آدمی است؛ یعنی آدابی برای برانگیختگی شکوفا شدن

استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق است؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم به پیامبر(ص) در مورد تشویق به عبادت می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ ای پیامبر! اهلت را به برپایی نماز فراخوان و در این امر پایداری و صبروری پیشه کن (طه، ۱۳۲)؛ امیرمؤمنان علی(ص) درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی فرموده است: «همانا خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد و به‌سوی بهشت روانه سازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۸).

پیام‌آوران الهی مردمان را با بشارت و انذار به‌سوی مقصد کمال هدایت می‌کردند و شأن پیامبر اکرم(ص) نیز این بود؛ چنانکه امیرمؤمنان علی(ص) فرمودند: «همانا خداوند محمد(ص) را نشانه‌ای ساخت برای قیامت و مژده دهنده به بهشت...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰). هنر مربی برانگیختن و باز داشتن است؛ یعنی هنر راغب کردن به اتصاف به کمالات حقیقی و هشیار نمودن در دوری از آنچه موجب تباهی است؛ در این‌باره باید میان نیکان، بدان، شایستگان و ناشایستگان فرق گذاشت و با هر یک به تناسب وضع و حالش رفتار نمود و به‌وسیله تشویق و تنبیه مناسب آنان را راهنمایی نمود، چنانکه امیرمؤمنان علی(ص)، در عهدنامه مالک اشتر فرمودند: «هرگز نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان باشند، چراکه رغبت نیکوکار را در نیکی کم کند و بدکار را به بدی وادار نماید و هر یک از ایشان را مطابق کارش جزا ده» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) روش تشویق، روشی نیکو در برانگیختن انسان به‌سوی مراتب کمال حقیقی است. پیامبر اکرم(ص) در رسالت تربیتی خود، مردمان را با راغب ساختن به‌سوی حق برانگیخت و با هشیار ساختن و ادب نمودن، از هلاکت دور ساخت؛ بنابراین روش تشویق، علم و هنر انگیزدن و باز داشتن است که در میدان عمل به شناخت، محبت، ظرافت و دقتی طبیبانه نیاز دارد تا نقش خود را در تربیت به‌درستی ایفا نماید. تشویق، عاملی در برانگیختن آدمیان به‌سوی اهداف عبادت و نیز وسیله‌ای برای تقویت انسان در خیرها و ترغیب به تلاش بیشتر و فراهم کردن نشاط لازم در عبادت است؛ زیرا انسان در فطرتش عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص و مایل به کمالات، نیکویی و دوستدار تشویق و قدردانی است. یکی از روش‌های مؤثر در تربیت، برانگیختن نوجوانان به‌سوی کمال و دور کردن آنها از هر نقصی است؛ در این راستا، تشویق و قدردانی در روح و روان نوجوان اثر می‌گذارد و او را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند.

۶. تکریم

از سرمایه‌های فطری که بر اساس مشیت الهی در باطن هر کس نهاده شده، غریزه حُب ذات و توجه دادن انسان به مقام و موقعیت خویش است (قرائتی، ۱۳۹۱، ۱۸۲)؛ این راهکار همه انسان‌ها را به جهت اینکه در همه آنها غریزه حب ذات وجود دارد و هر کس دوست دارد که دیگران به او احترام بگذارند، را شامل می‌شود. خداوند در قرآن کریم در مورد تکریم انسان می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (اسراء، ۷۰). آیه بالا چنین بیان می‌کند که خداوند بر نوع بشر منت نهاده و به او دو چیز بخشیده

است: نخست کرامت و بزرگواری و دوم برتری بر سایر مخلوقات؛ منظور از تکریم، اعطای ویژگی‌هایی است به او که در سایر موجودات و پدیده‌ها نیست و منظور از برتری، اعطای ویژگی‌هایی است به انسان که دیگر موجودات در آن شریک هستند، ولی انسان در حد اعلاء از آن برخوردار است. نظر به اینکه انسان از این دو مزیت عالی و فطری برخوردار است، احترام و تکریم وی یک وظیفه اساسی است. این راهکار، احترام به شخصیت نوجوان را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد تا اعتماد به نفس مخاطب را برانگیخته و تقویت کند و او را به ارزش وجودی خویش واقف ساخته و به عرصه معارف اسلامی رهنمون سازد. این شیوه در حقیقت پشتوانه سلامت روان بشر و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت اوست؛ بنابراین نوجوانی که به قدر کافی از اکرام و احترام برخوردار است، روحیه‌ای طبیعی و روانی متعادل خواهد داشت و به سمت عبادت، گرایشی قوی پیدا خواهد نمود؛ بنابراین ضروری است که مربی و راهنما با احترام با نوجوانانی که اهتمام جدی به عبادت دارند، برخورد کند و این عامل زمینه مناسبی برای شوق به عبادت ایجاد می‌نماید (اشتهاردی، ۱۳۷۲، ۲۷۹)؛ بنابراین تکریم و احترام از نیازهای فطری و روحی نوجوانان است؛ پس باید آنان را به سبب انجام عبادات مورد تکریم و احترام قرار داد، به‌طوری که نوجوان زمینه شکوفایی این نیاز خود را در انجام عبادات ببیند و هرچه بیشتر در انجام عبادات مشتاق‌تر شود.

۷. آموزش مراقبه و محاسبه

مراقبه به معنای خود را پاس داشتن و مراقب خود بودن (معین، ۱۳۸۷، ۳، ۳۹۸۵) و محاسبه به معنای رسیدگی به حساب خویش و حساب‌خواهی و حسابرسی است (معین، ۱۳۸۷، ۳، ۳۸۸۹-۳۸۸۸) و از آنجاکه آدمی پیوسته در معرض اشتباه، گناه، تباهی و پلیدی است، لازم است خود، حریم حقیقت خویش را پاس دارد و به حساب خویش توجه نماید تا از لغزیدن خود جلوگیری نماید یا در صورت لغزش به سرعت بازگردد و آن را جبران سازد؛ مراقبه و محاسبه، روشی برای حفظ حقیقت آدمی، ارزش‌های والای انسانی، تداوم عمل ایمانی، بازگشت از اشتباه‌ها، گناه‌ها و تصحیح به‌موقع کردارها و رفتارها است. انسان برای سیر درست در جهت کمال مطلق، نیازمند مرزبانی خویش است؛ زیرا هیچ‌چیز مانند دریده شدن حریم‌های حقیقت آدمی، تباه‌کننده فرد و جامعه نیست؛ چنان‌که در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «اَقْرَبُ كِتَابِ كَفَىٰ بِنَفْسِهِ الْيُوتَ عَلَيَّكَ حَسِيْبًا»؛ «(و به او می‌گوییم): کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی» (اسراء، ۱۴)، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛ هر کس به قدر ذره‌ای عمل خیر کند آن را خواهد دید و به قدر ذره‌ای از هر کس عمل شر سرزند به آن خواهد رسید (زلزال، ۷ و ۸)؛ همچنین امیرمؤمنان علی (ص) می‌فرماید: «آنکه حساب نفس خود کرد، سود برد و آنکه از آن غافل ماند، زیان دید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰۸ غفلت و ظلمت یکی از آفات اساسی شکوفایی حقیقت آدمی است و روش مراقبه و محاسبه، راهی برای جلوگیری از فرورفتن در غفلت و راهی برای بازگشت از ظلمت است؛ از این‌رو در به سامان آوردن آدمی بسیار مؤثر است، چنان‌که از امیرمؤمنان (ص) روایت شده است: ثمره و نتیجه مراقبه، محاسبه نفس و به صلاح و سامان آوردن خویش است (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳، ۳، ۳۴۴). امیرمؤمنان علی (ص) پیوسته بر مراقبه و محاسبه تأکید می‌کرد و تلاش می‌نمود مردمان را بدان برانگیزد، چنان‌که

می فرمود: پس حساب نفس خود گیر که دیگران را حسابرسی است، چیر(مسلط) (نهج البلاغه، کلام ۲۲۲)؛ از این رو مربی باید در جهت آگاهی متربی در باب مراقبت از خود و محاسبه نفس و اعمال خود، تلاش فراوان نماید؛ زیرا با مراقبت و محاسبه است که متربی و نوجوان ارزش وجودی خود را درک کرده و در جهت حفظ خود و مراقبت و حسابرسی به عبادت روی خواهد آورد؛ از این رو از عوامل مهم تربیت اسلامی مراقبه و محاسبه است که انسان هر از گاهی باید خود را سنجیده و با خود حساب و کتاب نماید، کارهایش را بازبینی کرده و اعمالش را بیاد آورد و خود را در محضر خداوند ببیند. انسان در جایگاه متهم و در محضر خداوند باید به صورت سمبلیک جوابگوی رفتار و اعمال خود باشد و هر لحظه نسبت به تصحیح عملکرد خود اقدام نموده و از عملکرد بد خود در زمان گذشته نیز ابراز مغفرت نماید؛ اما در نظام های تربیتی غیردینی این بعد نظارتی تربیتی وجود ندارد.

۸. تذکر و یادآوری

تذکر یعنی یادآوری و یادآوردن آنچه انسان به فراموشی سپرده است؛ مانند تذکر نعمت ها و یاد منعم و خدایی که در همه جا حاضراست. پیام آوران الهی در تربیت خود، مردمان را متذکر نعمت ها، مرحمت های خداوند و محضر حق و حضور می کردند. بعد از تذکر نعمت های الهی و یادآوری آن به انسان برای سپاسگزاری و به یاد داشتن الطاف الهی، یاد مرگ جایگاهی اساسی دارد؛ زیرا غفلت آدمی از مرگ و معاد، خود بزرگترین عامل عصیان و فساد است. امیرمومنان علی(ص) می فرمایند: «خوشا کسی که معاد را به یاد آورد و برای حساب کار کرد و به گذران روز قناعت نمود و از خدا راضی بود» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲)؛ همچنین خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ و آیات خدا را به مسخره نگیرید و به یاد آرید نعمت خدا را که به شما لطف فرمود و (به ویژه نعمت بزرگ) کتاب آسمانی و حکمت الهی را که به شما فرستاد و شما را به اندرز آن بهره مند گرداند و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا به همه چیز آگاه است (بقره ۲۳۱)؛ در آیه دیگری آمده که: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد؛ بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید» (آل عمران، ۱۰۳)؛ یا در این آیه می فرماید: «أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَادْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»؛ «آیا تعجب کرده اید که مردی از جانب خدا به یادآوری شما فرستاده شده تا شما را (از هول و عذاب قیامت) بترساند؟ و متذکر باشید که خدا شما را پس از هلاک قوم نوح جانشین آن گروه کرد و در خلقت (و نعمت) شما بیفزود، پس انواع نعمت های خدا را به یاد آرید، شاید که رستگار شوید» (اعراف، ۶۹)؛ به خاطر آوردن نعمت های خداوند، زمینه را برای عبادت و بندگی

او فراهم می‌سازد؛ از این‌رو خدای متعال پس از متذکر شدن اعطای نعمت کوثر به پیامبر خویش، او را به انجام عباداتی همچون نماز و قربانی کردن فرامی‌خواند: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» (کوثر، ۱ و ۲)، ما به تو کوثر [خیروبرکت فراوان] عطا کردیم! پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

این نکته نیز روشن است که عبادتی که با یاد نعمت‌های خداوند و به شکرانه آن تحقق یابد، برترین نوع عبادت محسوب می‌شود؛ همچنین در روایات زیادی به این روش توجه شده است؛ چنان‌که خداوند متعال به حضرت موسی (ص) وحی فرستاد: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز؛ عرض نمود چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲، ۴). یادآوری و ذکر نعمت‌های الهی از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک کودک به صاحب نعمت و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است. ذکر نعمت‌ها می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و تعمیق بینش الهی نوجوانان و در نتیجه، گرایش به صاحب نعمت و زمینه‌های شکرگزاری را در آنان فراهم سازد؛ بنابراین باید تمهیدی اندیشید که محبت خدا در دل نوجوان جای گیرد. در این صورت، او با عشق درونی به احکام و تکالیف الهی عمل می‌کند. برای رسیدن به این هدف، ضروری است از نعمت‌ها، مهربانیت، بخشندگی و توجه خاص خداوند به بندگانش سخن بگوییم و او را بهترین دوست انسان‌ها معرفی کنیم؛ همچنین باید محبت خداوند را نیز برای آنان بیان کنیم (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰۸).

از آنجایی که روحیه سپاسگزاری در نوجوانان بالا است، باید تلاش شود که همواره نوجوانان با انجام عبادات، خدای متعال را به سبب نعمت‌های بی‌حد و حصرش شکرگذار باشند و قرآن کریم سرشار از تذکر و یادآوری‌های عبرت‌آمیز است که خود سرمایه‌ای عظیم برای دوران نوجوانی است؛ از این‌رو آدمی به سبب فرورفتن در تاریکی‌های مرتبه حیوانی و گرفتار شدن در بندهای دنیایی، دچار غفلت از یاد حق و فراموش کردن حقیقت هستی می‌شود؛ در نتیجه حقیقت خویش را از یاد می‌برد و در این صورت متصف به صفات شیطانی می‌شود و همه کجی‌ها و تباهی‌ها از اینجا برمی‌خیزد؛ از این‌رو راه نجات انسان، متذکر شدن او به حقیقتش و رجوع دادن وی به معارف و حقایق است که بر طبق سرشت اوست.

۹. تمثیل

از آنجایی که بسیاری از حقایق، در حوزه امور عقلی و حکمت‌ها دسته‌بندی می‌شود و به سادگی از طریق ابزارهای شناختی حسی قابل درک و فهم نیست و بسیاری از مردم به بلوغ عقلی نمی‌رسند و در وادی محسوسات و خیالات زندگی به سر می‌برند، لازم است که مباحث عقلانی و حکمت‌های عالی و بلند را به شکل محسوس و از طریق بیان تمثیلات و تشبیهات به افراد منتقل کرد؛ از این‌روست که خداوند بسیاری از معارف و حقایق بلند را به شکل تمثیل بیان کرده است و در استفاده از تمثیل و تشبیه برای بیان مقاصد عالی، هیچ ابایی ندارد؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ

مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ؛ خدای را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن، مثل زند شرم نیاید؛ پس کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان به‌جاست، ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند، می‌گویند خدا از این مثل چه قصد داشته است [خدا] بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند و [الی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند (بقره، ۲۶) و یا در این آیه می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست (بقره، ۲۶۱)؛ در آیه دیگری می‌فرماید: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ مثل آنچه [آنان] در زندگی این دنیا [در راه دشمنی با پیامبر] خرج می‌کنند، همانند بادی است که در آن سرمای سختی است که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشان ستم کرده‌اند) «آل عمران، ۱۱۷»؛ اگر به آیات قرآنی نگاه شود، به‌خوبی روشن می‌شود که تا چه اندازه از این روش تربیتی استفاده شده است. بیان امثال در قرآن بسیار زیاد است و خداوند خود به‌صراحت بر استفاده از این روش در آیات قرآنی تأکید دارد؛ «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»؛ [همو که] از آسمان آبی فرو فرستاد، پس رودخانه‌هایی به‌اندازه گنجایش خودشان روان شدند و سیل کفی بلند روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش می‌گدازند، هم نظیر آن کفی برمی‌آید؛ خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند، اما کف بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند، خداوند مثل‌ها را چنین می‌زند (رعد، ۱۷)؛ از این‌روست که در روایات چندی به این نکته توجه داده شده که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم»؛ ما پیغمبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوئیم» (کافی، ۱، ۲۳) و (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷، ۴۱). (در این زمینه، یعنی استفاده از روش تمثیل می‌توان به حدیثی از مولا علی (ص) اشاره نمود؛ آن حضرت در ترسیم وضعیت انسان گناهکار و متقی و عاقبت آن دو می‌فرماید: آگاه باشید همانا گناهان همانند مرکب‌های چموش‌اند که سواران خود (گناهکاران) را افسار رها شده و در آتش دوزخ می‌اندازند؛ اما تقوا همانند مرکب‌های رام و فرمان‌برداری هستند که سواران خود را افسار بر دست، وارد بهشت جاویدان می‌کنند (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳، ۱، ۷۳)؛ بنابراین با توجه به تفاوت‌های بسیار در سطح فهم و ادراکی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان و نوجوانانی که به بلوغ عقلی و فکری نرسیده‌اند، بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات بسیار مهم و اساسی است. با توجه به منابع تربیت عبادی اسلامی (قرآن کریم، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات، صحیفه سجادیه، مفاتیح‌الجنان و ...) که همگی پر از تمثیل هستند، باید از این روش به‌خوبی استفاده شود. دوره نوجوانی از چنان ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی برخوردار است که اگر از روش تمثیل برای تربیت عبادی آنان استفاده شود، همانند حکاکی بر روی سنگ است که به‌راحتی پاک نخواهد شد؛ از این‌رو چون

انسان‌ها با موجودات مادی و محسوس بیشتر آشنایی دارند، مطالب عمیق و عقلانی را می‌توان با استفاده از شیوه تمثیل معقول به محسوس به او منتقل کرد تا بدین وسیله کم‌کم زمینه درک مسائل عقلانی و غیرمحسوس نیز برای او فراهم شود.

۱۰. تلقین به نفس

تلقین به نفس به این معناست که از طریق به زبان آوردن قولی معین، به مقتضای آن، تغییری در ضمیر پدید آید. تلقین، گفتاری است؛ اما با اندک گسترشی در آن، می‌توان برای تلقین رفتاری نیز جایی در نظر گرفت. مراد از تلقین رفتاری، آن است که با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و طنین آن عمل را به درون بیفکنیم. پیش‌فرض این روش، تأثیر لایه‌های شخصیتی انسان (ظاهر و باطن) در یکدیگر است. از این روش در روان‌شناسی تغییر رفتار به «روش آموزش به خود دستور دادن» تعبیر می‌شود. در آیات و روایات، توصیه‌های زیادی بر به‌کارگیری این روش شده است؛ «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس بی‌صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش (اعراف، ۲۰۵).

در قرآن علاوه بر اینکه ما را به ذکر خدا توصیه می‌کند، به‌کارگیری آهنگ و لحن مناسب آن را به‌گونه‌ای که بیشترین تأثیر را برای نفس داشته باشد، خاطرنشان می‌سازد؛ آهنگ و لحنی که خشیت دل را به همراه داشته باشد. در قرآن کریم در موارد زیادی امر به ذکر نام خداوند شده است و این یعنی، آوردن لفظی به زبان، برای جاری شدن آثار آن در دل است. خداوند می‌فرماید: «وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»؛ «و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن» (انسان: ۲۵)؛ «وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا» نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز» (مزل، ۸). در جای دیگری نیز می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ»؛ و بگو پروردگارا از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم و پروردگارا از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم (مؤمنون ۹۷: و ۹۸)؛ در این آیات برای مصون ماندن از وسوسه‌های شیطان، به گفتن عباراتی امر می‌نماید تا بر اثر جاری شدن این جملات بر زبان، ملکه استعاذه به پروردگار و در نتیجه دوری از لغزش، در باطن انسان پدید آید؛ در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا»؛ و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار؛ چراکه هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید (اسراء، ۳۷)؛ این دستورها از آنجا ناشی می‌شود که پی آمد رفتار مذموم در اعضا و جوارح، باطنی شدن ویژگی متناسب با آن رفتار خواهد بود. هرگاه رفتاری مذموم در جوارح آدمی نمودار شود، آهنگی باطنی خواهد داشت. نقش خودپرستی و تکبر در ظاهر، فرعونی شدن دل را در پی دارد (باقری، ۱۳۹۰، ۶۶)؛ از این رو خداوند متعال در رفتار ظاهری انسان نیز حساس است و او را از زشتی‌ها و رفتارهای ناپسند ظاهری نیز بر حذر می‌دارد؛ همچنین در نهج‌البلاغه، امام علی (ص) می‌فرماید: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»؛ اگر بردبار نیستی، پس خود را بردبار جلوه ده؛ چه اندک پیش می‌آید که کسی

خود را به گروهی شبیه سازد و جزء آنان نشود (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷). در این روش مربی به نوجوان یاد می‌دهد که در موقعیت‌های مختلف از طریق به زبان آوردن ذکر یا در دل گذراندن آن یا انجام دادن عملی، نفس خویش را برای انجام عملی یا ترک آن مهیا نماید؛ بنابراین از راهکارهای تربیت عبادی نوجوانان، تلقین به نفس است و از آنجا که نوجوانان آموزش‌پذیر هستند، باید ابتدا به آنان عبادات را آموزش داد تا یاد بگیرند و سپس علاقه‌مند به انجام آنها شوند.

با نوجوانان باید با زبان خودشان با آنها صحبت کرد. نوجوانی فرصت طلایی است که ظرفیت یادگیری در آن بالا است و یادگیری چیزی جز تکرار نیست، نوجوان باید عبادات را تکرار کند تا فعل از عمل به فعل به نفس تبدیل شود، به‌طوری که لذت انجام عبادت در آنها نهادینه شود.

۱۱. موعظه

موعظه در اصل به معنای منعی است که با بیم دادن همراه است و نیز گفته‌اند موعظه یادآوری قلب نسبت به خوبی‌ها است در آنچه موجب رقت قلب می‌شود (الفراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ۳، ۱۹۶۶)؛ بنابراین موعظه چیزی است که قلب را نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود که انسان از کجی و پلیدی دست برداشته و به‌راستی و خوبی روی آورد. در سخنان امیرمؤمنان علی (ص) چنین وارد شده است (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳، ۱، ۳۱۹)؛ موعظه سودمند آن است که باز دارد؛ با توجه به مفهوم موعظه، این روش راهی در زدودن قساوت از دل و فراهم کردن زمینه لطافت آن در جهت دوری از زشتی، پلیدی و گرایش به عبادت خداوند است. موعظه عامل باز دارنده از طغیان شهوات و موجب تسکین هواهای نفسانی است؛ از این‌رو بستر مناسب احیای دل آدمی است. امیرمؤمنان علی (ص)، در نامه تربیتی خود به فرزندش حسن (ص) سفارش کرده است که قلبش را با موعظه جان‌بخش احیا کند: «أحی قلبک بالموعظة»؛ دلت را به موعظه زنده دار (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

موعظه نیکو انسان را از غفلت گرانبار دنیاطلبی و هواپرستی بیرون می‌برد و موانع سخت تربیت را می‌زداید و به سبب رقتی که در وجود او فراهم می‌نماید، دلش را در معرض تابش انوار هدایت حق قرار می‌دهد. حضرت علی (ص) بهترین موعظه را قرآن دانسته و می‌فرماید: «آگاه باشید این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و هیچ‌کس با داشتن قرآن نیازی ندارد و بدون قرآن بی‌نیاز نخواهد بود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

در قرآن کریم آیات فراوانی دیده می‌شود که فرزندان مورد پند و موعظه پدران قرار گرفته‌اند. خداوند در سوره لقمان به موعظه لقمان به فرزندش اشاره می‌کند: «واذقَالَ لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم»؛ (به یاد بیاور) هنگامی که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک و ظلم بزرگی است (لقمان، ۱۳).

در جای دیگری خداوند از زبان حضرت نوح (ص) نقل می‌کند: «وہی تجری بہم فی موج کالجبالو نادى نوح ابنہ وکان فی معزل یا بنی اربک معنا ولاتکن مع الکافرین»؛ و کشتی آنها را از میان امواجی هم چون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام) نوح فرزندش را کہ در گوشه‌ای بود، صدا زد: "پسرما! ہمراہ ما سوار شو و با کافران مباحث» (ہود، ۴۲)؛ همچنین در آیات دیگری نیز می‌توان بہ پند و موعظہ حضرت یعقوب بہ حضرت یوسف اشارہ کرد: «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ «[یعقوب] گفت: ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن کہ برای تو نیرنگی می‌اندیشند؛ زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است» (یوسف، ۵).

در جای دیگری حضرت ابراہیم بہ حضرت اسماعیل می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»؛ و وقتی با او بہ جایگاہ سعی رسید گفت: ای پسرک من، در خواب [چنین] می‌بینم کہ تو را سر می‌برم، پس ببین چہ بہ نظرت می‌آید؛ گفت: ای پدر، من، آنچه را مأموری بکن، انشاءاللہ مرا از شکیبایان خواہی یافت) «صافات، ۱۰۲)، بدیہی است کہ تربیت دینی را نمی‌توان تنها بہ بُعد شناختی آن کاهش داد و در صورت کنار گذاشتن جنبہ‌های عملی و عاطفی در دین، تربیت دینی تحقق تام نخواہد داشت؛ از این‌رو وجود بُعد احساسی و تجربہ درونی در دین ایجاب می‌کند کہ آموزش‌های دینی از جنبہ‌های عملی و احساسی برخوردار باشد. نوجوان با روش‌هایی از جملہ موعظہ، می‌تواند با تکیہ بر شوق ناشی از آن بہ کسب عادات اخلاقی و دینی نائل شود (باقرنیا، ۱۳۹۳، ۷۳). از آنجاکہ نوجوانان روحیہ تحریک‌پذیری و کنجکاوی بالایی دارند، باید با پند و اندرز دادن بہ‌موقع، آنها را نسبت بہ انجام عبادات تحریک کرد و روحیہ کنجکاوی و پرسشگریشان را بہ‌خوبی پاسخ داد. نوجوانان بہ دلیل اینکہ سرشار از انرژی هستند، ممکن است در انجام عبادات مقاومت از خود نشان دہند؛ از این‌رو نباید هیچ‌گاہ از پند و موعظہ دادن بہ نوجوانان خستہ شد.

۱۲. دعا

دعا، بزرگ‌ترین لطف الہی بر بندہ است. دعا، سرچشمہ خیرات و توجہات حضرت حق بر آدمیان است؛ دعا، «مغز عبادت» و «لباس افتخار» پارسایان در دنیا و دل‌باختگان آخرت است. باید اذعان نمود کہ باشکوہ‌ترین حالت انسان، در لحظہ دعا و نیایش بہ منصہ ظہور می‌رسد؛ زمانی کہ او خاضعانہ و خاشعانہ در محضر معبود خود اظہار عجز و ناتوانی می‌کند و از او یاری می‌طلبد؛ او بدین‌وسیلہ از ہمہ تعلقات مادی و دنیوی رہا می‌شود و تنها بہ «او» می‌اندیشد و با «او» سخن می‌گوید. او مسبب‌الاسباب عالم را فقط «او» دانستہ و از ہمہ می‌برد تا تنها بہ خالق خود پیوند یابد. دعا، نقطہ اتصال روح جوای حقیقت بہ مبدأ و حقیقت آفرینش است (بہشتی و قریب، ۱۳۹۰، ۳۰). دعا و نیایش، گرایش روح آدمی بہ مبدأ هستی است کہ بہ‌صورت یک تفرع، درخواست کمک یا تأمل و کشف و شہود بروز می‌کند و روان انسانی را بہ آستانہ خداوند عروج می‌دہد (کارل الکسیس، ۱۳۸۵، ۵۸)؛ بہ عبارت دیگر

دعا، یکی از گنجینه‌های غنی و سرشار از معارف اصیل و فضایل دینی، اخلاقی و کلامی، هم‌نوا با نوای فطرت و راهنمایی، جهت تعدیل و هدایت خواسته‌های انسان به‌سوی مقصد و مأوایی حقیقی است.

شهید مطهری ۱ در اهمیت دعا و نیایش می‌فرماید: «دعا هم طلب و هم مطلوب است، هم وسیله و هم غایت است، هم مقدمه و هم نتیجه است و به همین دلایل است که اولیا خدا هیچ‌چیز را به‌اندازه دعا خوش نداشته‌اند» (مطهری، ۱۳۹۱، ۲۲۶). به جهت آثار شگرف تربیتی است که امیرمؤمنان(ص) در تربیت فرزند دل‌بندش او را سخت به دعا و نیایش سفارش و آثار و فواید گران‌سنگ آن را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «قد اذن لك في الدعاء و تكفل لك بالاجابة و امرک ان تسأله ليعطيك... فاذا ناديته سمع نداک و اذا ناجيته علم نجواک فافضيت اليه بحاجتك»؛ بدان خدا... به تو اجازه درخواست و دعا داده و اجابت آن را به عهده گرفته است، تو را فرمان داده که از او بخواهی تا عطا کند... هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود و چون با او راز دل گویی راز تو را می‌داند، پس حاجت خود را با به او بگویی و آنچه در دل داری نزد او بازگویی، غم و اندوه خود را در پیشگاه او مطرح کن تا غم‌های تو را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)؛ بنابراین دعا کمک‌کننده انسان است و او را از ظلمت دور می‌کند و وقتی که انسان از ظلمت بیرون رود، انسانی می‌شود که همه‌چیزش برای خدا است؛ از این‌رو متری باید با دقت روی مضامین و محتوای دعا بیندیشد؛ زیرا مضمون دعاها با بیانی بسیار شیوا، جذاب و لطیف مرز میان ارزش‌های دینی و ضدارزش‌ها را نمایان می‌سازد و می‌تواند کمک زیادی به تربیت عبادی نوجوان کند.

۱۳. ارتباط با اماکن مذهبی

حضور در اماکن و برنامه‌های مذهبی، به‌ویژه نماز جماعت، اگر با تشویق همراه باشد، نوجوانان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. شهید مطهری با توجه به نقش مسجد در تشویق کودکان به عبادت معتقد است: نوجوان را باید به محیط مشوق نماز خواندن دعوت کرد؛ به تجربه ثابت شده است که اگر نوجوان به مسجد نرود و در جمع نباشد و عبادت جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوق انسان است. فرد بزرگ‌سال نیز وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند. متأسفانه کم رفتن ما به مسجد و مجالس دینی و اینکه نوجوانان کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)؛ از این‌رو یکی از راه‌های قراردادن محبت اهل بیت در دل کودکان و نوجوانان، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که آنها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و به‌تدریج حق درونی آنان بیدار و جذب شوند؛ چه‌بسا اگر آنان را به حال خود رها کرد، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند؛ ولی اگر ترتیبی دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب آن می‌شوند؛ مثلاً اردوهای فرهنگی و زیارتی و دیدار از حرم‌ها، زیارتگاه‌ها، شرکت در مجالس دینی، دعا، توسل، عزاداری و ملاقات با شخصیت‌های معنوی، برگزار شود.

جمع‌بندی

با بررسی گروهی از روایات تربیتی و بنابر عقیده متخصصان تعلیم و تربیت مسلمان، درمی‌یابیم که دین اسلام به تربیت دینی نوجوانان، به‌ویژه تربیت عبادی، تأکید زیادی کرده است تا زمینه‌دستیابی نوجوانان به مراحل عالی کمال فراهم شود. برای تحقق این هدف و علاقه‌مند کردن نوجوانان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران نوجوانی به عمل آورد. به این ترتیب که با برنامه‌ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به‌صورت ساده و قابل‌فهم به نوجوانان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد. برای موفقیت در امر تربیت عبادی ضروری است به نکات زیر توجه شود.

۱. **زمینه‌سازی مناسب:** یعنی ایجاد آمادگی در نوجوانان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به عبادات که باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان نسبت به مسائل عبادی می‌شود؛
۲. **بصیرت بخشی:** باعث می‌شود افراد در راه تحقق احیای تفکر دینی و غلبه حق بر باطل و حاکمیت ارزش‌های اسلامی تلاش مجدانه داشته و علیه باطل، مبارزه کنند؛
۳. **الگوهای کامل:** این نکته مهم تربیتی باعث می‌شود انسان هدف تربیت و در نتیجه راه تربیت را فراموش نکند و پیوسته در راه اتصال به صفات و کمالات آنان گام بردارد؛
۴. **شیوه تبشیر:** این شیوه سبب مقاوم‌سازی متری در قبال تهدیدات اعتقادی و دعوت به عبادت و سوق به سوی معارف اسلامی می‌شود؛
۵. **روش تشویق و تنبیه:** یعنی آدابی که سببی برای برانگیختگی و بازدارندگی برای شکوفا شدن استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق هستند؛
۶. **غریزه حب ذات در نوجوانان و تکریم آنان:** باعث می‌شود روحیه‌ای طبیعی و روانی متعادل داشته باشند و به سمت عبادت گرایشی قوی پیدا کنند؛
۷. **مراقبه و محاسبه:** سبب می‌شود متری و نوجوان ارزش وجودی خود را درک کرده و در جهت حفظ خود و مراقبت و حسابرسی به عبادت روی آورد؛
۸. **تذکر و یادآوری نعمت‌های الهی:** از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک نوجوان به صاحب نعمت و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است؛
۹. **بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات:** این روش، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانانی است که به بلوغ عقلی و فکری نرسیده‌اند، کاربرد دارد؛ چراکه خداوند بسیاری از معارف و حقایق بلند را به شکل تمثیل بیان کرده است؛
۱۰. **به‌کارگیری آهنگ و لحن مناسب:** آن‌گونه‌ای که بیشترین تأثیر را برای نفس داشته باشد؛

۱۱. **موعظه:** که قلب را نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود که انسان از کجی و پلیدی دست بکشد و به راستی، خوبی و عبادت گرایش پیدا کند؛
۱۲. **دعا و نیایش:** که به صورت یک تفرع، درخواست کمک یا تأمل و کشف و شهود بروز می‌کند و روان انسانی را به آستانه خداوند عروج می‌دهد؛
۱۳. **ارتباط با اماکن مذهبی:** این شیوه به عنوان مشوق، رغبت به عبادت را زیاد می‌کند.

منابع

*قرآن کریم

۱. شریف الرضی، محمدابن حسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹.
۲. ابن شعبه حرانی و حسن بن علی؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ شرح محمدتقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴. احمدی، احمد؛ اصول و روش‌های تربیت در اسلام؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۵. اشتیاردی، عبدوس؛ فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه؛ قم: تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۶. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۰.
۷. باقری‌نیا، حسن؛ «روش تربیتی موعظه؛ چالش‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر آموزه‌های قرآنی»؛ فصلنامه معارف قرآنی، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۷۵-۵۷، ۱۳۹۳.
۸. بهشتی، سعید؛ قریب، مسعود؛ «نقش دعا در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین (ع)»؛ دوره ۳، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۹. بهشتی، سعید و نیکویی، روشنک؛ «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی تربیتی، ۱۸، ۱۳۸۹.
۱۰. بگلو، بهروز؛ بررسی علل و عوامل درون مدرسه‌ای بر جذب دانش‌آموزان به نماز (طرح پژوهشی)؛ وزارت آموزش و پرورش، تهران: ۱۳۸۸.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۲. پاکدل، زهرا؛ بررسی راه‌های جذب دانش‌آموزان به اقامه نماز جماعت در مقطع ابتدایی شهرستان قزوین (طرح پژوهشی). سازمان آموزش و پرورش استان قزوین، ۱۳۸۷.
۱۳. حسینی، حسین؛ مجموعه مقالات بررسی مسائل مطبوعات؛ جلد دوم، مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۰.
۱۴. جعفری اورنگی، اکبر؛ (بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران نسبت به مسائل مذهبی طرح پژوهشی)؛ سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، ۱۳۸۸.

۱۵. داوودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر (ص) (و/اهل بیت؛ ج ۲، تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ ۱، ۱۳۸۳.
۱۶. داوودی، محمد؛ تربیت دینی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۶.
۱۸. رحیمیان، محمدحسن و رهبر، محمدتقی؛ اخلاق و تربیت اسلامی؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۱۹. رضایی، محمدعلی و نجفی، حمید؛ «تربیت عبادی از منظر قرآن»؛ دو فصلنامه علمی- ترویجی قرآن و علم، سال هشتم، شماره ۱۴، صفحات ۸۵-۱۲۰، ۱۳۹۳.
۲۰. سعیدی شاهرودی، علی؛ حاکمیت دینی: اصول و مبانی، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۸.
۲۱. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. شاوردی، شهرزاد؛ کشاورز، رقیه؛ «اصول و شیوه‌های تربیت انسان در سوره مبارکه انعام»؛ فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۰، ۱۳۹۰.
۲۳. فرمehنی فراهانی، محسن؛ تربیت در نهج البلاغه؛ تهران: انتشارات آیپژ، ۱۳۹۰.
۲۴. فقیهی، علی نقی؛ شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز؛ تهران: مؤسسه مهر تابان، چ ۱، ۱۳۸۴.
۲۵. فکری، شهناز؛ شیوه‌های تشویق نوجوانان و جوانان به نماز؛ قم: انتشارات خادم الرضا (ص)، ۱۳۹۴.
۲۶. قائمی، علی؛ پرورش مذهبی کودک؛ قم: انتشارات ارشاد، ۱۳۸۵.
۲۷. قرائتی، محسن؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۱.
۲۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲۹. کارل، الکسیس؛ انسان موجودی ناشناخته؛ ترجمه پرویز دبیری تهران؛ مهرافروز، ۱۳۸۵.
۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: علمیه الاسلامیه، ۱۳۴۴.
۳۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مرادی، خدیجه؛ موسی‌پور، نعمت‌الله؛ «راه‌های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران»؛ سال دوازدهم، شماره ۴۷، ۱۳۹۲.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۰.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ گفتارهای معنوی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۳.
۳۵. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
۳۶. مطهری، مرتضی؛ بیست گفتار؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۱.
۳۷. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ تهران: بهزاد، ۱۳۸۷.
۳۸. ملکی، حسن؛ شاملی، عباسعلی؛ شکر الهی، مهدی؛ «تربیت عبادی کودکان، اسلام و پژوهش‌های تربیتی»؛ سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰.
۳۹. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۹.

. * دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی. vafaeireza10@gmail.com.

. ** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، amirmoradi8@yahoo.com